

فیلترینگ باعث بیشتر شدن محتوای غیراخلاقی شده است؟

چالش مانکن ناظران شبکه‌های اجتماعی ایرانی



زینب مزرقی

خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته خبری مبنی بر دستگیری مدیرعامل پیام‌رسان داخلی سروش منتشر شد. در پی انتشار این خبر، مرکز رسانه قوه‌قضائیه اعلام کرد: «تذکره‌های مکرر و چندین باره به مدیرعامل یکی از پلتفرم‌های ایرانی برای چاره‌اندیشی در رابطه با انتشار محتوای غیراخلاقی و انتشار تصاویر مستهجن با بی‌توجهی این پلتفرم همراه بود. در پی این موضوع مقام قضایی در دو نوبت از مدیرعامل این پلتفرم برای این مهم دعوت کرد که با بی‌توجهی فرد مورد‌اشاره همراه بود. همچنین در سامانه ابلاغ قضایی، برای مدیرعامل این پلتفرم احضاریه صادر شد که با وجود مشاهده ابلاغیه، مدیرعامل این پلتفرم از مراجعه به مرجع قضایی امتناع کرد. پس از امتناع مدیرعامل این پلتفرم ایرانی برای حضور نزد مقام قضایی سرانجام دستور جلب وی صادر شد. پس از جلب مدیرعامل این مجموعه عناوین اتهامی تسهیل دسترسی به محتوای مستهجن و فراهم کردن موجبات فساد از طریق بسترسازی و عدم نظارت منتهی به اشاعه فحشا به وی تفهیم شد. در حال حاضر و پس از تفهیم اتهام متهم با قرار وثیقه آزاد است.»

رئیس هیات‌مدیره سروش: تمام ماجرا عملیات رسانه‌ای علیه سروش بود

از طرفی دیگر عباس عسگری، رئیس هیات‌مدیره پیام‌رسان سروش پلاس در گفت‌وگو «شبکه شرق» این خبر را تکذیب کرده و آن نوعی عملیات رسانه‌ای علیه این پیام‌رسان می‌داند.

عسگری ضمن تکذیب بار اینکه مدیرعامل سروش پلاس دستگیر نشده است، اعلام می‌کند که خبر منتشر شده تنها یک بازی رسانه‌ای است برای اینکه پلتفرمی مانند سروش از مدار فعالیت خارج شود. عباس عسگری در مورد جزئیات این اتفاق به شبکه شرق می‌گوید: «صبح امروز مدیرعامل سروش پلاس به دادسرای رسانه فراخوانده شد و پس از ارائه توضیحاتی نیز به سر کار خود بازگشته، پس آنطور که برخی ادعا می‌کنند خبری از دستگیری ایشان نیست. همچنین محتوایی که برخی به آن اشاره دارند که محتوای مجرمانه بود، پیش از ورود مقامات قضایی براساس گزارش کاربران از روی پیام‌رسان حذف شده بود.»

او در پاسخ به این سؤال که چرا عده‌ای به باور او باید علیه یک پیام‌رسان بومی دست به عملیات رسانه‌ای بزنند توضیح داد: «اینها عملیات رسانه‌ای برداران قرارگاهی است برای اینکه از سروش پلاس انتقام بگیرند، بیشتر از این هم امکان توضیح ندارم. همیشه عده‌ای هستند که می‌خواهند یک پلتفرم را از مدار فعالیت خارج کنند و روح انحصار به آنها اجازه نمی‌دهد که فعالیت پلتفرم دیگری در این فضا را ببینند.»
عسگری با انتقاد از نبود قانون در این زمینه این شرایط را یک مشکل جدی برای پلتفرم‌های داخلی می‌داند که مشکلات آنها را پیچیده‌تر می‌کند. او در این مورد نیز می‌گوید: «علاوه بر اینکه برعکس اکثر کشورهای دنیا، در ایران مسئولیت محتوا با کسی نیست که آن را منتشر کرده، از طرف دیگر ما هم نمی‌دانیم برای انتشار محتوای مجرمانه باید به چه نهاد و ارگانی پاسخگو باشیم. یک روز ناچا ما را می‌خواهد، یک روز وزارت ارشاد، یک روز مرکز ملی فضای مجازی، وزارت ارتباطات و… وقتی رگولاتوری در این حوزه مشخص نیست، شرایط برای کار کردن سخت‌تر می‌شود و باعث می‌شود مدیر یک مجموعه به جای انجام کارهایش، هر روز در رفت و آمد به نهادهای مختلف برای پاسخگویی باشد.»

مصادق محتوای مستهجن در کارگروه فضای مجازی چیست؟

با انتشار این اطلاعیه از سوی مرکز رسانه قوه‌قضاییه و به‌کارگیری از لفظ «مستهجن» در اطلاعیه، این پرسش مطرح می‌شود که اساسا مصادق واژه مستهجن در اطلاعیه قوه‌قضاییه و کارگروه فضای مجازی دقیقا چیست و دامنه آن در ارتباط با محتوای فضای مجازی تا کجاست؟ با توجه به اتفاق روز گذشته پلتفرم سروش و انتشار ترانه خواننده‌های غیرمجاز از خواننده لس‌آنجلسی در دو پلتفرم روبیکا و بله، امری که در این بین محل نقد است، این است که اصل ماجرای فیلترینگ پلتفرم‌های خارجی و جایگزین کردن پلتفرم‌های ایرانی در چند سال اخیر، جلوگیری از نشر و دسترسی مخاطب به محتواهایی از این دست بود. اکنون اما می‌بینیم که همین پلتفرم‌های ایرانی نیز محتواهایی انتشار می‌دهند که تا به امروز سعی شده بود از انتشار آنها با فیلترینگ جلوگیری شود. پس پلتفرم ایرانی با خارجی در این مساله چه فرقی با یکدیگر دارند و تا به اینجا کار، فیلترینگ به جز ایجاد بازار فیلترشکن فروشی چه فایده‌ای داشته است؟

دیالکتیک جذب مخاطب و هنر اصیل

چرا «کلنل» موفق شد؟

سجاد نوروزی

کاشناس فرهنگی

در میان اهل هنر ایران تقریبا این امر دچار بداهت حضور است که «ذائقه مخاطب میل به ابتدال دارد.» در تحکیم این تلقی مصطلح و البته غلط گردش مالی «هنر مصرفی» مدام بیان می‌شود. این تلقی غفلت‌زا باعث می‌شود که برای خلق یک اثر هنری استاندارد از مخاطب به عنوان امری بعید یاد شده و ذاتا هنر اصیل بی‌مخاطب خوانده شود. چگونه می‌توان بر این انگاره غلط فائق آمد؟ مثال نقض متاخر کنسرت علیرضا قربانی در تهران بود که یک ماهه واندی در مجموعه سعدآباد بر صحنه بود. فرم صحیح ساختار کنسرت، موزیک استاندارد و کاراکتر هنرمند، فروشی خیره‌کننده را رقم زد و نشان داد ذائقه مخاطب «الزاما» آن نیست که می‌گویند. اتفاق فرخنده هنری دوم آدم کنسرت- نمایش «کلنل» در تهران بود. اثری که به یک شخصیت ملی می‌پرداخت و در بادی امر فاقد هر گونه جذابیت بازاری بود اما به مخاطب گسترده‌ای دست یافت.

کلنل چه کرد؟

کلنل در یک ساحت محتوایی ملی وارد میدان شد و با اینکه تولید حوزه هنری انقلاب اسلامی بود بنا بر سیاق موجود برای خود به تفکیک مخاطب قائل نشد و کوشید در طراحی محتوایی آنچه مورد وفاق همه اقشار اجتماعی است را سرلوحه قرار دهد؛ «ایران…» نتیجه این شد که با رعایت استانداردهای هنری در فرم، اثری تولید شود که مخاطب عام آن را از خود بداند؛ شمالی یک وطن پرست مومن که دغدغه‌اش

البته نگفته نماند به جز ایجاد بازار فروش فیلترشکن و وی پی‌ان فروشی، دسترسی اغلب کاربران ایرانی به فیلترشکن‌ها و ایجاد یک زمینه برای دسترسی به محتواهای مستهجن، به تنهایی یکی از تقد‌های وارده به فیلترینگ برخی از پلتفرم‌های خارجی است.

برخورد با مدیرعامل مجموعه شیوه صحیحی نبود

محمد کشوری، فعال حوزه فناوری و فضای مجازی معتقد است که در بررسی مساله پیش آمده برای پلتفرم سروش، باید ببینیم که آیا آن محتودر چت خصوصی منتشر شده یا گروه‌ها و کانال‌ها بوده است. اینها متفاوت است. او در گفت‌وگو با «فرهیختگان» می‌گوید: «اگر در چت خصوصی و یا چت گروهی کاربر بوده، مساله پیچیده می‌شود و این سوال پیش می‌آید که چگونه متوجه شده‌اند؟ اگر محتوا در کانال‌ها بود هم بررسی مساله متفاوت است. اکنون موضوع این است که ما نمی‌دانیم دقیقا چه محتوایی بود. می‌دانیم که درصدی از موسیقی موجود، موسیقی غیرمجاز به حساب می‌آید. یعنی اگر کسی بخواهد نص قانون را قرار بدهد، می‌تواند بگوید که این موسیقی غیرقانونی بود؛ اما ما نمی‌دانیم چه محتوای مذکور، از کدام دست محتواست. محتوای مبتذل یا محتوای مستهجن بود؟ چراکه از لحاظ قانونی، دو نوع مختلف جداگانه هستند.»

کشوری می‌گوید که پلتفرم‌ها معمولا محتوای مستهجن را حذف می‌کنند و اگر اینگونه باشد، پلتفرم باید پاسخگو باشد. او ادامه می‌دهد: «اگر محتوا به اصطلاح، محتوای مبتذل باشد آن وقت محل اختلاف است؛ چراکه تعریف محتوای مبتذل به راحتی نیست و بسیار برخورد با آن سلیبگی است؛ زیرا دایره محتوای مستهجن از موسیقی غیرمجاز است تا همین محتوای آهنگ ساسی مانکن. تا جایی که من اطلاع دارم و طبق قانون موظف هستمند که محتوا را حذف کنند. منتها ابعاد آن روشن نیست. ولی امری که مسلما می‌توان گفت این است که هر چه بوده باشد، برخورد با شخص مدیرعامل راه درستی برای این نیست، حتی احضار مدیرعامل. چه دلیلی دارد که مدیرعامل یک شرکتی احضار شود؟ مگر چه اتفاقی افتاده که مدیرعامل احضار شده؟ می‌توانستند نماینده حقوقی پلتفرم را احضار کنند؛ یا اینکه از راه حل‌های دیگری که می‌شد پیش‌بینی کرد، می‌توانستند استفاده کنند.»

ساسی‌مانکن در روبیکا

این فعال حوزه فناوری و فضای مجازی همچنین می‌گوید که در پیام‌رسان داخلی روبیکااگر کلید واژه ساسی را سرچ کنیم، آهنگ‌های ساسی مانکن بالا می‌آیند؛ «من همین الان در روبیکا ساسی سرچ کردم و آهنگ‌های ساسی مانکن را برابم بالا آورد. این مبتذل است و همه بر این اتفاق نظر داریم. خصوصا اینکه بچه‌ها از روبیکا بسیار استفاده می‌کنند و مناسب هم نیست. پس چرا اینها احضار نمی‌شوند؟ آیا شده‌اند؟ امری که بسیار مهم است و باید مطالبه شود، این است که به‌طورکلی رویه‌های مرتبط با قوه قضائیه در فضای مجازی غیرشفاف است. از خود کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه گرفته که هیچ وقت متن هیچ مصوبه‌ای را منتشر نمی‌کند و نمی‌دانیم آن داخل چه می‌گذرد. بارها این امر تکرار شده است. در همین جریان طاقتچه یا دیوار و… این اتفاقات افتاده است. کسی هم مطالبه نمی‌کند و نمی‌پرسد چرا قوه قضائیه و مشخصا دادستانی این همه مبهم و غیرشفاف عمل می‌کنند؟ همیشه هم تصمیمی اتخاذ می‌شود و در نهایت انتهای آن تصمیم مشخص نمی‌شود. ما دستورالعمل مشخصی نداریم، مثلا پلتفرم یا محتوایی را بازرگاری کند و حذف نکند، چه اتفاقی برای آن پلتفرم می‌افتد؟»

کشوری عنوان می‌کند که تصمیمات در رابطه با بازرگاری محتوای مبتذل مشخص نیست. اینکه باید جریمه شوند، فیلتر شوند یا به شیوه دیگری اعمال قانون شوند. «مشخص نیست که در اینجا چقدر پلتفرم مقصر است و تا چه حد کاربر مقصر است؟ اصلا ممکن است کاربر باید احضار شود، چرا باید با پلتفرم برخورد شود؟ اینها سوالاتی است که پاسخ داده نده‌اند. ما مکررا در طرح صیانت گفته‌ایم که این طرح، طرح پیر ایرادی است اما کسی توجه نمی‌کرد. این طرح صرفا به یک سری ندهاها قدرت می‌داد اما تعیین تکلیف‌شان به‌طور شفاف مشخص نیست. همانگونه که در قانون جرائم رایانه‌ای به‌طور کمی شفاف شده در اینجا هم شفاف شود. هرچند این قانون باید اصلاح و تکمیل شود اما طرح دیگری به نام طرح صیانت روه رو می‌شویم.»

دایره مصادیق محتوای مبتذل باید روشن شود

این فعال حوزه فناوری می‌گوید که باید مسئولیت کاربر و پلتفرم در قبال

محتوا مشخص شود و علاوه بر این مساله باید شفاف شود که پلتفرم، هیچ مسئولیتی در قبال محتوای خصوصی کاربران ندارد. او می‌گوید: «در قبال کانال‌ها می‌توان یک پایش قرار داد که محتوای مستهجن تایید نشود. در کشورهای دیگر هم همین اتفاق می‌افتد اما محتوای مبتذل به دلیل دایره وسیعی که دارد، باید روشن شود؛ چراکه در پلتفرم‌های داخلی حتی امکان دارد عکس پروفایل یک کاربر هم یک محتوای مبتذل محسوب شود. از طرفی آهنگ ساسی مانکن هم در عین حال یک محتوای مبتذل است. بدیهی است که هر دو این‌ها یکی نیستند اما ما نمی‌دانیم چه برخوردی با این دو مورد داشته باشیم؛ به‌طورکلی این رویه و احضار به‌ضرت توسعه پلتفرم داخلی است.»

کشوری در انتها تاکید می‌کند که تا وقتی محتوای مبتذل به‌طور دقیق مشخص نشود، نمی‌توان به‌طور دقیق درباره شکل برخورد با پلتفرم طرح پیشنهاد داد؛ چراکه سختگیری بیش از حد، به پلتفرم داخلی هم ضربه می‌زند.

دعوی میان کاربران و پلتفرم‌ها همیشگی است

پوریا آسترکی، کارشناس استارت‌آپ‌ها در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ابعاد دیگری از ماجرای پیام‌رسان سروش را تحلیل کرد. او معتقد است که در ابتدای شکل‌گیری پلتفرم‌های ایرانی، چه پیام‌رسان‌ها و چه وب‌سایت‌های ویدئو، یک مساله جدی وجود داشته و آن این است که مسئولیت محتوای منتشرشده در این پلتفرم‌ها با کیست؟ او می‌گوید: «آیا خود پلتفرم مسئولیت دارد یا خود ناشر؟ این از موضوعات مهم است و مختص ایران نیست، حتی در فیسبوک نیز دچار جنجال و شکایت به دلیل محتوای کاربران‌ش می‌شود. مثلا هر چند وقت یک بار، کاربرانی در فیسبوک پیدا می‌شوند که به روسیه وابسته‌اند و روی انتخابات آمریکا تاثیر گذاشته‌اند یا تحلیل‌های تاثیرگذاری در فیسبوک منتشر کرده‌اند که به آنها محتوای فیک نیز گفته می‌شود، حتی بسیاری بیشتر پیش‌رفته‌اند و گفته‌اند که این محتواها فضای فراقوعی در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌دهند.»

آسترکی ادامه داد: «این دعوا در وب که یک دعوا میان کاربر و پلتفرم است، همیشه وجود داشته. در همین مسائل اخیر نیز در موضوع فلسطین، انتخابات آمریکا و… همیشه اتهامات و شکایات وجود داشته است. ایران هم از این قاعده مستثنی نیست و کاربران محتوایی منتشر می‌کنند که ممکن است از نظر قانونی اشکال داشته باشد یا از نظر گروه، فرد یا دستگاهی جور درنیاید و برای ناشر و پلتفرم درمسر ایجاد کند. در مقابل این، مساله‌ای وجود دارد و آن این است که ناشر محتوای مجرمانه یا چالشی به‌هرحال ابزارهای خودش را در اینترنت پیدا می‌کند و مخاطبی هم که به دنبال آن محتواست، به آن دسترسی پیدا می‌کند. بنابراین سیاست‌های محدودکننده از قبیل فیلتر کردن پلتفرم‌های خارجی به این بهانه که پلتفرم‌های ایرانی، یک محیط امن خواهند بود اما در عمل دیدیم این دعوی درستی نبود.»

با فیلترینگ از تعاملات بین‌المللی محروم شدیم

این فعال حوزه وب و فضای مجازی می‌گوید: «با فیلتر شدن پلتفرم‌های خارجی، کشور و مردم از امکانات و فضای تعامل بین‌المللی با سایر مردم جهان محروم شدند. بسیاری از فرصت‌های اقتصاد دیجیتال، بسیاری از فرصت‌های فرهنگی، اجتماعی، دیپلماسی عمومی و تجاری از بین رفت و نابود شد و در همین حالت امری که باقی مانده چند پلتفرم ضعیف داخلی هستند که همان عارضه را دارند و همان مسائلی که بهانه فیلترینگ پلتفرم‌های خارجی شد، به آن مبتلا هستند.»

پلتفرم‌های ایرانی قواعد بازی را پذیرفته‌اند

آسترکی معتقد است که روش هر یک پدیده اجتماعی، برخوردیایی از این دست نیست. او تصریح می‌کند: «وقتی یک پلتفرم ایرانی می‌آید و فعالیت می‌کند و می‌بیند که هدف دستگاه‌های نظارتی از فیلتر کردن این است که بتوانند محتواهای پلتفرم‌های داخلی را کشتل و نسبت به خودشان پاسخگو کنند، بنابراین وقتی با یک شبکه اجتماعی ایرانی برخورد می‌شود، هدف اولیه مشخص است، یعنی وقتی تلگرام را فیلتر می‌کنند می‌خواهند دایره فعالیت سروش را گسترده کنند و از طرفی روی آن نظارت کنند و هروقت لازم باشد برخورد قهری را پیش‌ببرند. این اتفاق طبیعی بود که رخ می‌دهد. وقتی پلتفرمی ایرانی فعالیت می‌کند؛ بخشی از قواعد بازی را پذیرفته است که بازی می‌کند؛ چراکه همزمان هم از برخی حمایت‌ها و رانت‌هایی که از طریق فیلترینگ برایشان رخ می‌دهد، برخوردار می‌شوند.»

متاسفانه استاد شجریان هنر تولید برای مست‌های توی کلاب را نداشت!



فاطمه ترکاشوند

خبرنگار

در پاسخ به اعتراض عمویوزنگ گفته بود: «چقدر نارمید شما!» و برسیده بود؛ «دو ساله من آهنگ نخوندم، یک بار فکر نکردین مشکل از خودتونه؟» و ادعا کرده بود: «من اگه انداز تو با بچه‌ها سرورکار داشتم الان ارتش داشتم، می‌گفتم بشینید کل بچه‌های دنیا می‌نشستن، ولی تو بُرشت، گره‌روم نمی‌بره.» این به‌ظاهر استدلال‌های کوبنده‌ساسی مانکن خیلی‌ها را شگفت‌زده کرد. به نظرشان منطقی آمده بود که کسی بگوید عمق نفوذ چیزهایی که ساسی می‌خواند و به سختی می‌شود اسم‌شان را موسیقی، اثر، آهنگ یا ترانه هم گذاشت، به خاطر فقدان اثرگذاری در آثار کسانی است که در جریان مقابل او ایستاده‌اند. آن‌هم در تقابل با کسی که بدون تزدید بیش از ۹۰ درصد ترانه‌های کودکانه خوش‌ریم و برانگیزاننده دهه‌های ۸۰ و ۹۰ صدواسیمای متعلق به او بوده است. ساسی چه انتظاری از صدواسیمادارد؟ چرا او می‌تواند ارتش داشته باشد اما عمویوزنگ نه؟ آیا واقعا هنر او برایش ارتشی از کودکان می‌سازد و بی‌هنری دیگران، ارتش داشتن را از آنان دریغ کرده است؟

مغز استدلال ساسی را می‌شود از پشت ادبیات هتاک و احمقانه‌اش در سه محور خلاصه کرد:

الف) نفوذ ساخته‌های من، محصول بی‌هنری مخالفان من است

حتی آنها هم که پاسخ ساسی به نظرشان قانع‌کننده و دندان شکن شده، از صلق قلب، جواب این سوال‌ها را خوب می‌دانند. آیا واقعا ساسی مانکن که حتی شهرت او هم محتوای فکری‌اش را می‌رساند، چنان هنری دارد که سایر موزیسین‌ها، خالخان آثار کودک و هنرمندان کشور ما از آن محرومند؟ بهرام دهقان یارو حمیدمتیسیم و صدایبه‌سلام و ناصر نظر و کامبیز روشن‌روان گرفته تا همین عمویوزنگ و عموقناد، انسان‌های بی‌هنری هستند که هنوز نتوانسته‌اند از کودکان ارتش بسازند اما ساسی چنین عصای جادویی دارد؟ البته که ساسی مانکن چنین عصای جادویی دارد، تنها اگر توجه داشته باشیم که ابلیس نیز در طول تاریخ از همین قدرت و ید طلا برای سرباز ساختن از این‌ها بشریزخوردار بوده است. حالا اگر کسی دوست‌دارد می‌تواند این را بگذارد به حساب هنر شیطان و بی‌هنری نوح نبی که ۹۰۰ سال برای هدایت قومش وقت گذاشت و سرآخر هم، همه پیروانش با کلی چندینده و حیران در یک کشتی جا شدند!

ب) ساخته‌های من برای کودکان نیستند و چنین ادعایی نکرده‌ام

این ادعا حالا پس از دو سال فشار مردم ایران روی زبان کسی جاری شده که همه وایرال شدن دو ساخته قبلی‌اش را مروهون همخوانی کودکان و نوجوانان در مدارس کشور بوده است. کسی که هنوز هم از مردم در تیزرهای تبلیغاتی‌اش خواسته تا ویدئوهای هم خوانی و لباهنگ‌هایشان را برایش بفرستند تا او، کار وایرال شدن ساخته‌اش را راحت‌تر هموار کند.

هنوز از یاد نبرده‌ایم که «جنتلمنه» ۱۳۹۷ و «کتکر» ۱۳۹۸ و «تهران، توکیو» ۱۳۹۹ دبستان‌ها و مدارس ایران را درمی‌نوردیدند تا از نوجوانان دختر ایرانی سرپراهای فرهنگی برای جریانی بسازند که سال‌های بعد قرار بود هزینه‌ساز شود. آنها از اول سرپاز ساسی نبودند همان‌طور که «تلپتی‌ها» از اول آن قدر عجیب و غریب به‌دنیامی‌آمدند که بعدها باز بچه‌دست‌یک‌روانی متجاوز شوند؛ آنها فقط سلیقه‌های هنری‌شان و گوش موسیقایی‌شان را رام آرام در بازر بزرنگ و لعاب موسیقی عامه‌پسند و مبتذل از دست می‌دادند تا روزی دیگر نتوانند جنس مرغوب را بنجل تشخیص دهند.

ساخته‌های ساسی هیچ‌وقت برای کودکان و حتی بزرگسالان مناسب نبود اما او هم نه تنها هیچ‌وقت تا امروز چنین اعتراضی نکرده بود بلکه برعکس، تا توانست از کودکان و زنان برای تبلیغ و وایرال کردن ویدیوهایش سوء استفاده کرد، چه کسی «نامرد» است؟ کسی که چنین کلاهبرداری و شارلاتانیسمی را از یاد نمی‌برد یا او که دیوار حاشا برایش تا آسمان هتم بلند است؟ ساسی نه تنها خوب می‌داند که به خاطر ریم و سادگی کلمات، مخاطب اصلی ساخته‌هایش کودکان هستند و نه تنها آثارش را با هدف گریز این‌رده سنی می‌سازد بلکه از آنها برای تبلیغات و بالاردن نفوذ آثارش هم استفاده می‌کند. حاشا کردن او را فقط کسانی باور می‌کنند که با اذهان سیاسی و چشمان بسته به اوضاع نگاه می‌کنند و خودآگاه و ناخودآگاه به دنبال بهانه‌ای برای خودتخریبی می‌گردند.

ساسی حتی همین حالا که در یک کامنت صدمکله‌ای ادعا کرده کارهایش برای کودکان نیست، باز هم در آخر تصریح کرده که می‌تواند از کودکان ارتش بسازد و لطف می‌کند و منت می‌گذارد و هر سال یا هر دو سال یک اثر می‌سازد؛ او از قدرت سرپازگیری شیطان در حرکت نرم و طولیل‌مدت فرهنگی به خوبی اطلاع دارد و اربابانش و کارفرمایانش بی‌شک بیشتر از او!

ج) نمی‌شود توی کلاب برای آدم‌های «مست و پلاره» اربک تک‌تک بخش کرد
این شاید منطقی‌ترین بخش استدلال ساسی مانکن باشد. حرفی که می‌شود به آن گفت استدلال درست! حتما نمی‌شود نیاز موسیقایی بزرگسالان را با آثار کودکان برطرف کرد که‌ما اینکه نمی‌شود نیاز موسیقایی کودکان را با آثار بزرگسالان پر کرد. اما ساسی همان قدر که به بخش دوم اعتقادی ندارد و عملا به دنبال سرپازگیری از کودکان برای ساخته‌هایش است همان میزان هم به دنبال تولید برای یک سبک زندگی خاص در میان بزرگسالان است. نیاز آدم‌های مست‌نایت کلاب‌ها، هم‌بندهای سلول حقیرانه‌ای که ساسی در آن زندگی می‌کند و اسمش را آزادی گذاشته، نه با «اروک تک‌تک، کتک» رفع می‌شود نه با خسرو آواز ایران، مرحوم شجریان! حالا شاید باید تقصیرها را به گردن شجریان بیندازیم که نتوانسته نیاز مست‌ها را در کلاب‌ها برطرف کند که آنها به عضویت ارتش امثال ساسی و تلو درآمده‌اند. با همین دست‌فومان، تقصیر مارتین اسکورسزی، کریستوفر نولان، بریان دی پالما، بلا تار، اینگمار برگمان، داریوش مهرجویی و اصغر فرهادی است که آدم‌های روند پوزن می‌بینند. امتاسفانه حتی استاد شجریان هم به اندازه ساسی هنرمند نبود؛ و مطمئن باشید که بلاهت فالوور داشتن آن قدر عمیق هست که اگر از ساسی چنین چیزی بپرسید بی‌مکش این را هم تایید کند. اما آن وقت کسانی که تحت‌تاثیر استدلال ساسی، کامنتش را شگفت‌انگیز تلقی کردند و پیش‌پایش رانند ترانه دوازده‌وی‌شان خواهد افتاد که هنر و هنرمند کجا ایستاده‌اند و ساسی مانکن کجا! فقط بحث این است که عمویوزنگ را آدم صدواسیمای می‌دانند و بزنامه‌ساز کودک و طبعی‌خاتم او را در اندازه مرحوم استاد شجریان بزرگ نمی‌پندارند تا در مقام دفاع از هنر، نقش ایفاکنند.

افسوس آنکه تمام این استدلال‌ها را کسی پیش پای اندیشمندان و کشتگران فرهنگی و سیاست‌کشور ما گذاشته که تمام‌اموریت خود را در بهترین حالت، خواندن و تولید برای «مست‌ها و پاره‌های توی کلاب» قرار داده است! ملت ایران با آن سابقه فرهنگی و تمدنی بزرگ‌تر از آن است که عده‌ای مست و قمارباز مسیر هنری‌اش را تعریف کنند و عده‌ای که خود را برده‌ان مست‌ها و قماربازها تولیدکننده تفریح برای آنان می‌دانند، از کودکان‌کش سرپازگیری کنند. کسانی که حتی ذره‌ای با چنین افرادی هم صدا شده‌اند کلاه‌شان را بالاتر بگذارند.

فرهنگ‌یگان

نقد روز



سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۲



شماره ۴۰۲۵



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY

۷